

نگاهی به نظارت و کنترل در آموزه های نهج البلاغه

نگاهی به نظارت و کنترل در آموزه های نهج البلاغه
منبع : حصون - بهار 1385، شماره 7،

چکیده

نظارت و کنترل در امر مدیریت و اعمال آن در هر سازمان و تشکیلات و نیز در سطح گسترده تر، در هر حکومتی اجتناب ناپذیر است. اگر در تشکیلاتی نظارت و کنترل صورت نپذیرد، دچار هرج و مرج می شود و به اهداف از پیش تعیین شده خویش دست نخواهد یافت. مقاله حاضر با رویکردی دینی و با استفاده از سیره و گفتار حضرت علی(ع) و نوع نگرش آن بزرگوار به امر خطیر نظارت، و هدف از آن می پردازد.

کلید واژه ها: ناظر، نظارت، کنترل، عدالت، نظارت در نهج البلاغه.

مقدمه

با قاطعیت و جرئت می توان ادعا کرد که هیچ سازمانی به درصد بالای هدف ترسیم شده خود دست نخواهد یافت مگر آنکه کنترل یک مدیر قادر را به همراه داشته باشد تا نسبت به تحقق و انجام عملیات آگاهی پیدا نموده و قدرت پی گیری و سنجش و اصلاح امور مربوط را پیدا کند. نظارت و کنترل، ابزار کار مدیران از رده های عالی تا رده های سرپرستی است و لزوم این امر را در مراتب مختلف سازمان به سادگی می توان لمس کرد. همچنین بدون وجود یک سیستم کنترل و نظارت، هر سازمان در دسترسی به اهدافش با مشکل رو به رو خواهد شد.

مهم ترین مسأله ای که لزوم کنترل و نظارت را در سازمان ایجاب می کند، وجود درصدی خطا در امور سازمان است که در راه رسیدن به هدف وجود دارد و برای جلوگیری از این خطا و رفع اشکالات احتمالی، لزوم کنترل و نظارت ضروری به نظر می رسد.

مسأله نظارت و کنترل در امور حکومتی نیز از ضروریات است و حاکمان برای رسیدگی دقیق به امور کارکنان و مدیران در رده های مختلف، ناچار به نظارت و کنترل دقیق و مستمر می باشند و اگر این نظارت در رده های مختلف سازمان ها و دستگاههای حکومتی صورت نپذیرد، چه بسا زیان های جبران ناپذیری به بار خواهد آورد و نتیجه آن بی عدالتی، رشوه خواری و حیف و میل بیت المال و ایجاد مفاسد اقتصادی خواهد بود.

در مقاله ای که پیش رو دارید، نظارت و کنترل در حکومت حضرت علی(ع) و دیدگاههای آن حضرت درباره نظارت بر امور زیردستان و کارکنان و مدیران و استانداران و تعامل آنان با مردم مورد توجه قرار گرفته است.

امید آنکه مدیران نظام اسلامی با پیروی از فرامین آن حضرت، بتوانند آن نظارتی را که شایسته یک مدیر مسلمان است مورد توجه قرار داده و دستورات آن حضرت را سرمشق خویش قرار دهند.

واژه ناظر

ناظر در لغت به معنای نظر کننده، بیننده، دیده بان و کسی است که برای نظارت و رسیدگی به کار معین می شود.

نظارت در اصطلاح تعاریف متعددی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

نظارت عبارت است از: «فعالیتی که کارها و برنامه ها را در مقایسه با هدف های سازمان همسو می کند.»

- کنترل، فعالیتی است که ضمن آن، عملیات پیش بینی شده با عملیات انجام شده مقایسه می شوند و در صورت وجود اختلاف و انحراف بین آنچه باید باشد و آنچه هست به رفع و اصلاح آنها اقدام می شود. بدین ترتیب کنترل فعالیتی است که بایدها را با هست ها، مطلوبها را با موجودها، و پیش بینی ها را با عملکردها مقایسه کرده و تصویر واضحی از اختلاف یا تشابه بین این دو گروه از عوامل در اختیار مدیر و مسئول مربوطه قرار می دهند.

در تعریف دیگری، جریان و فرآیند کنترل نیز ارائه شده است:

کنترل عبارت است از فعالیتی منظم که ضمن آن نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای انجام عملیات معین می شوند، سیستم دریافت اطلاعات طراحی می گردد، عملیات پیش بینی شده و انجام شده با هم مقایسه می گردند، اختلافات و انحرافات مشاهده شده، ارزیابی و میزان اهمیت آنها مشخص می شوند و سرانجام اصلاحات لازم برای تحقق هدفها و تأمین مأموریتهای سازمان انجام می گیرد.

اهمیت نظارت

نظارت، از اصلی ترین وظایف حاکم اسلامی در عرصه های مختلف حکومت برای ارزیابی از عملکرد و برنامه های دستگاههای زیرمجموعه و ارزیابی نقاط قوت و ضعف آنان می باشد. نظارت عامل بازدارنده از انحراف و عقب ماندگی کارگزاران و اعتدال و تنظیم اصولی و صحیح آنان است. برای پیشبرد اهداف حکومت، نظارت حقوقی متقابلی بین حاکمیت و ملت لازم است که در راستای اجرای صحیح قوانین و استیفای حقوق دولت و ملت صورت می گیرد، در واقع رابطه اصولی و معقول زمامداران با مردم و بالعکس در اعتدالی دین، عمران و آبادانی کشور و اصلاح امور، نقش سازنده ای دارد.

در حکومت علوی، نظارت متقابل مردم و حاکمان یک اصل بنیادی در نظام اجتماعی شمرده شده و حکومت پویا و ملت آگاه را بر این امر مهم فرا خوانده اند. سیره نظری و مبنایی حضرت اشاره به این معنا دارد و همان طور که سیره عملی ایشان در مدت زمامداری در موقعیت های زیادی آن را نشان داده است و نتایج آن، اصلاح امور، پاکسازی نظام، تنبیه متخلفان، دلگرمی مردم، امیدواری ملت، و همبستگی و پیوند ملت و امام می باشد، و این امر میسر نمی شود مگر با حضور ملت در صحنه و آگاهی آنان از عملکرد و برنامه های حکومت.

بنابراین، اگر نظارت و کنترل به طور اصولی و دقیق انجام شود اثرات مثبت آن در جامعه و زندگی افراد آن به ظهور خواهد رسید و دیگر کسی جرئت نخواهد کرد برخلاف نظام و قانون عمل نموده و با این کار ناشایست خویش، نظام و یا سازمان را در رسیدن به هدف ترسیم شده با مشکل رو به رو نماید.

حضرت علی(ع) برای جلوگیری از هر گونه ظلم و ستم و کم کاری و نیز جریان امور در مجرای صحیح خویش ساز و کارهایی را در امر مهم نظارت به کار بسته اند تا ضمن جلوگیری از هر گونه ایجاد اشکال در مجاری امور، سرمشقی نیز برای آیندگان باشد. امید است با تأسی به آن امام معصوم(ع) شاهد رشد و ترقی و اجرای عدالت در جامعه خویش باشیم.

انواع نظارت

1. نظارت قبل از عمل: این گونه نظارت قبل از اجرا، در وضع قوانین و مقررات انجام می پذیرد تا قانون از سلامت لازم برخوردار و زمینه اجرایی آن فراهم شود.
2. نظارت در حین عمل: نظارتی است که در زمان اجرای برنامه و مأموریت، برابر شرح وظایف

انجام پذیرد تا قانون و مأموریت محوله به نحو مطلوب انجام پذیرد.
3. نظارت بعد از عمل: این نظارت بعد از دو مرحله فوق انجام می گیرد تا ارزیابی صحیح از قانون و پروژه برای به دست آوردن نتایج مطلوب از آن صورت پذیرد.
4. نظارت فوق العاده: نظارت و بازرسی است که حسب مورد در اموری که نیازمند نظارت و بازرسی است از طریق زمامدار یا مسئول یا دستگاه نظارت انجام می پذیرد.

عناصر نظام نظارتی

1. نظارت کننده: عامل، فرد، دستگاه یا سازمانی است که با ارسال پیامهای ارتباطی، رفتار نظارت شونده را تحت تأثیر قرار می دهد و بازده آن را در جهت هدفهای خود تغییر می دهد.
2. نظارت شونده: فرد، دستگاه یا سازمانی است که با دریافت پیامهای ارتباطی رفتارش در جهت اهداف مورد نظر تغییر می یابد.
3. عوامل ارتباطی: کلیه افراد یا عواملی که بین آن دو ارتباط برقرار می نمایند.

شیوه های نظارت

1. مشاهده: یعنی کسب اطلاعات؛ گرچه مشاهده به معنای دیدن و شهود کردن است، اما تنها به دیدن با چشم منحصر نمی شود. ممکن است از راه به دست آوردن اخبار و اطلاعات موثق از منابع مورد اطمینان صورت گیرد.
2. حسابرسی: مقایسه عملکرد و آنچه باید انجام می شد.
مستولان و زمامداران مسئولیت دارند عملکرد دستگاه های دولتی را، بنابر برنامه اعلان شده و مأموریت واگذار شده بررسی کنند و کوتاهی و کمبودها و پیشرفتها را ریشه یابی نمایند و مغایرت در برنامه ها و عملکردها را ارزیابی کنند و مردم همه مطالبات خود را برابر آن، از مستولان بخواهند.
3. اصلاح: سومین اصل، اصلاح در برنامه ریزی و اصلاح عملکردهاست.
پس از طی دو مرحله قبل، مستولان و متولیان باید نقصها و معایب در برنامه ریزی را شناسایی و اصلاحیه ای بر آن انجام دهند و برنامه هایی را که فاقد صلاحیت اجرا بوده و یا با موانع قانونی روبه رو بوده اند بازنگری نموده و اصلاحات لازم را انجام دهند.
اصلاح بعدی، اصلاح در عملکردهاست؛ اگر برنامه ای فاقد موانع قانونی و دارای صلاحیت اجرایی بوده، و مدیران و مستولان در عملکردها به برنامه عمل نکرده باشند، نسبت به اصلاح مدیران اقدام لازم را به عمل آورند و پیشنهادهای اصلاحی هم در برنامه ها و هم در عملکردها باید توسط ناظران یا بازرسان به مستولان ارائه گردد.

امانتداری نتیجه نظارت آگاهانه

نظارت در هر سازمان از امور ضروری است. حضرت علی(ع) به این وظیفه در عهدنامه مالک اشتر چنین سفارش می فرماید:
بازرسانی از انسانهای صداقت پیشه و وفادار را بر آنان بگمار، چون پی گیری تو در پنهانی نسبت به امورشان مایه سوق دادن آنها به امانتداری و مهربانی با مردم می گردد.
بنابراین، نظارت از نظر حضرت امیر(ع) توجه و یاری کردن برای رسیدن به امانتداری است؛ چنان که باید توسط انسانهای صادق و وفادار صورت گیرد تا ارزیابی آنها عادلانه باشد و هوا و هوسشان در امور تأثیرگذار نباشد.

پس نظارت عامل مساعدی برای پیشرفت و واداشتن افراد به حرکت و اخلاص در کار است.

نظارت، زمینه ساز برقراری عدالت

از لوازم برقراری عدالت اجتماعی، نظارت بر امور کارکنان و زیردستان است. اگر عمل نظارت به

موقع و در تمام ابعادش؛ یعنی آینده نگر و گذشته نگر و حال نگر صورت پذیرد، و این عمل استمرار داشته باشد و شاخصهای درستی در اعمال آن به کار گرفته شود، می تواند درصد بالایی از عدالت اجتماعی را تأمین نماید؛ همان عدالتی که برپایی حق و دفع باطل را به دنبال دارد و هدف حضرت علی(ع) از حکومت، همان بود:

قال عبدالله بن عباس - رضی الله عنه - دخلت علی امیر المؤمنین(ع) بذی قار و هو یخسف نعله، فقال لی ما قيمة هذا النعل؟ فقلت لاقیمة لها! فقال(ع) واللّٰه لاهی احبّ الیّ من امرکم، الا ان اقم حقا أو أدفع باطلاً.

عبدالله بن عباس می گوید: در ذی قار - بر امیرمؤمنان وارد شدم هنگامی که مشغول وصله کردن کفش خود بود! به من فرمود: «قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم بهایی ندارد!» فرمود: «به خدا سوگند همین کفش بی ارزش برایم از حکومت بر شما محبوب تر است؛ مگر اینکه با این حکومت، حقی رابه پا دارم و یا باطلی را دفع نمایم.»

آری هیچ حکومتی قادر به برپایی عدالت نخواهد بود، مگر اینکه در آن، ملت حق حکومت را به جا آورند و حکومت هم حق ملت را ادا نماید. یک چنین حکومتی جز با رهبری صحیح و هدایت حساب شده افراد به سوی کمال و عدالت طلبی مقدور نخواهد بود. نظارت درست رهبران و مجریان حکومت بر کار زیردستان نیز در این امر مهم بسیار ضروری است و در حکومت آن حضرت نیز مورد تأکید بوده است. به همین جهت ایشان برای اجرای این امر خطیر به فرمانداران و استانداران توصیه به عدل و داد و رفتار شایسته با مردم می نمود.

لازم به یادآوری است؛ آنچه از فحوای کلام حضرت به صراحت فهمیده می شود، تحقق عدالت در حکومت آن حضرت می باشد، ولی بدون شک یکی از لوازم اصلی اجرای عدالت، اعمال نظارت و کنترل است، که اگر به کار گرفته نشود، عدالت فردی و اجتماعی نیز محقق نخواهد شد.

اعمال نظارت در اعطای مسئولیت

آن حضرت در گزینش افراد و ایجاد انگیزش در آنان و تشویق به کار، امر نظارت را پیشنهاد می کند و بر آن تأکید دارد:

سپس در کارهای کارمندان بنگر! و آنها را با آزمایش و امتحان به کار وادار! و از روی میل و استبداد آنها را به کارواندار، زیرا استبداد و تسلیم تمایل شدن، کانونی از شعبه های جور و خیانت است. و از میان آنها افرادی که با تجربه تر و پاکتر و پیشگام تر در اسلام اند برگزین؛ زیرا اخلاق آنها برتر و خانواده آنها پاکتر و همچنین کم طمع تر و در سنجش عواقب کارها بیناترند. با دقت در جمله اول به خوبی روشن می شود که نظارت بر امور کارکنان در پیشبرد کارها، مورد تأکید و دقت آن حضرت بوده است.

بر خلاف اعتقاد عده ای از نویسندگان بی اطلاع از متون اسلامی، که مدیریت را ره آورد غرب دانسته و آنها را در این زمینه پیشگام می انگارند، باید گفت که ما مسلمانان از گنجینه های گرانسنگی برخورداریم و لازم است آنها را در چارچوب های مدون و قانون مند در آوریم و از این دستورات و فرامین ارزشمند در سازماندهی مدیریت بهره برداری نماییم. آن حضرت در ادامه می فرماید: آنها را با آزمایش و امتحان به کار وادار و از روی میل خود و استبداد آنها را به کار مگمار؛ که این در واقع همان خود کنترلی است.

به تعبیر یکی از نویسندگان:

در اسلام زمینه های اعتقادی به گونه ای است که بهترین بستر رشد برای خود کنترل ساختن افراد معتقد فراهم است و اعتقادات فرد مسلمان، بهترین کنترل کننده درونی برای او به شمار

می آید. مسلمان معتقد با اعتقاد به معاد و روز جزا، مسلماً دست به انجام عملی نخواهد زد که انجام آن منع شده است. او خود را در مقابل خدای خود مسئول می پندارد، نه در مقابل رئیس خود و سازمان خود و کنترل‌های این جهانی. او به کنترل‌های عاقبت کار و آن جهانی می اندیشد و بر این پایه و اساس است که خود کنترل می گردد. فرد مسلمان معتقد، خدا را همواره حاضر و ناظر بر امور می داند. بنابراین چه کنترل باشد و چه نباشد، او احساس می کند که باید بر نفس خود مسلط باشد و از جاده صحت و درستی منحرف نگردد.

امیر مؤمنان(ع) در ادامه می فرماید:

افرادی که با تجربه تر و پاک تر و پیشگام تر در اسلام اند برگزین؛ زیرا اخلاق آنها بهتر و خانواده آنها پاک تر و همچنین کم طمع تر و در سنجش عواقب کار بیناترند.

بسیار واضح است که در امر گزینش افراد هرچه دقت بیشتری صورت پذیرد، و انسان‌هایی انتخاب شوند که از اعتقادات قوی تری برخوردارند و از خانواده ای پاک و متشروع هستند، تعهد آنان نسبت به کار بیشتر خواهد بود و هزینه نظارت به حداقل رسیده و بازدهی آنان بیشتر است. این دستورالعمل می تواند راهکاری برای انتخاب افراد باشد تا امر نظارت آسان تر شده و دسترسی به هدف سازمان در زمان تعیین شده میسر گردد.

مطلب دیگر اینکه در باور دینی ما مسلمانان، بر نظارت فرشتگان بر اعمال ما تأکید شده است و در قرآن کریم آمده است که فرشتگانی بر اعمال ما نظارت دارند و می دانند آنچه را ما انجام می دهیم. با توجه به این باور اصیل دینی، اگر انسان‌هایی انتخاب شوند که بنیان اعتقادی استوارتری دارند، امر نظارت آسان و هزینه آن کاهش خواهد یافت. و قطعاً تأکید مولای متقیان در امر گزینش انسان‌های پاک، نشأت گرفته از این دستور خداوند متعال است، زیرا این گونه کارکنان براساس باور خویش و حاضر و ناظر دیدن خدای سبحان در همه امور، به نظارتی درونی مجهزند و کار نظارت بیرونی را آسان تر می کنند.

راهکار پیشگیرانه در امر نظارت

امیر مؤمنان(ع) ضمن سفارش به مالک می فرماید:

سپس حقوق کافی به آنها بده زیرا این کار آنها را در اصلاح خویش تقویت می کند و از خیانت در اموالی که زیردست آنهاست بی نیاز می نماید.

نظارت زمانی کارگر خواهد افتاد که نیازهای مشروع کارکنان از طرف سازمان تأمین شود. اگر مدیری تنها به اهداف سازمان فکر کند و به اصطلاح سازمان گرا باشد، و به انسانگرایی و حقوق و نیازهای مشروع آنان توجه ننماید، بی شک، نظارت تنها کارگر نخواهد افتاد و تنها زمانی که کارکنان مورد نظارت مستقیم قرار داشته باشند، تظاهر به کار خواهند کرد و در وقتی که نظارت کارفرما یا ناظر را دور از خود ببینند از زیر کار و وظیفه اصلی شانه خالی خواهند کرد، و شاید نظر حضرت در دادن حقوق کافی به کارکنان ناظر به این مسأله باشد، که امر نظارت را آسان نموده و از خیانت آنان جلوگیری می کند.

بنابراین، مدیران در سازمانها وظیفه دارند که افزون بر اعمال نظارت که لازمه هر سازمانی است، به حقوق مادی و معنوی کارمندان و نیازهای واقعی آنان نیز توجه داشته باشند، تا نظارت معنای واقعی و اثر حقیقی خویش را داشته باشد.

به کارگیری ناظران راستگو و وفادار

حضرت علی(ع) بعد از اینکه به کارگزاران دستور می دهد که به کارکنان حقوق کافی بدهند تا دست به خیانت نزنند، می فرماید:

وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيهِمْ.

سپس با فرستادن مأموران مخفی و راستگو و با وفا کارهای آنان را زیر نظر بگیر! با توجه به سخنان دُرّ بار امام(ع) نخست باید کارگزاران وظایف خویش را دانسته باشند و بدانند که کارکنان کسانی نیستند که کارفرمایان و مدیران صرفاً برای رسیدن به هدف سازمان از آنان بهره کشی نمایند، بلکه لازم است با آنها به عنوان یک انسان که حقوقهای مشخصی دارد برخورد نموده و در تأمین نیازهای آنان کوشا باشند و سپس از آنان انتظار داشته باشند تا به وظایف محوله عمل نموده و به دقت و کامل آن را انجام دهند. بنابراین از دیدگاه دینی، نظارت زمانی معنا پیدا می کند که کارگزاران حقوق کارکنان را رعایت نمایند. آنگاه نوبت به ناظران صادق می رسد که به وظایف خویش عمل نمایند، البته هر کسی نمی تواند عمل نظارت و کنترل را انجام دهد، بلکه کسانی می توانند از عهده این وظایف برآیند که بنا به فرموده امام علی(ع)، راستگو، وفادار به نظام و متعهد باشند. این بدان معنا است که استخدام ناظران منوط به خصوصیات بالاست؛ زیرا قرار دادن ناظران غیر متعهد مشکلات نظارت را دو چندان خواهد نمود و گزارش آنان از اتقان و استحکام کافی برخوردار نخواهد بود و چه بسا اغراض شخصی و تسویه حسابها به جای نظارت لحاظ گردیده و سازمان را به جای رسیدن به اهداف با شکست رو به رو کند.

عدم تبعیض در نظارت

حضرت امیر(ع) به مالک سفارش می کند تا در امر نظارت تبعیض بین اعوان و انصار خویش با دیگران قایل نشود و مساوات و عدالت را برای همه جاری سازد. این دقت حضرت بیانگر این مسأله است که انسان ها معمولاً در برخورد با نزدیکان دچار مسامحه و سستی می شوند و حضرت برای پیشگیری از این امر می فرماید:

اعوان و انصار خویش را سخت زیر نظر بگیر، اگر یکی از آنها دست به خیانت زد و مأموران سری تو متفقاً چنین گزارشی دادند، به همین مقدار از شهادت قناعت کن و او را زیر تازیانه کیفر بگیر! و به مقدار خیانتی که انجام داده او را کیفر نما! سپس وی را در مقام خواری و مذلت بنشان! و نشانه خیانت را بر او بند! و گردن بند ننگ و تهمت را به گردنش بیفکن (و او را به جامعه چنان معرفی کن که عبرت دیگران گردد).

آینه تمام نمای عدالت و عدل مجسم، در امر نظارت بر اعمال اعوان و انصار، و حراست و پاسداری از اجرای فرامین و احکام حکومتی که صادر می فرمودند، این گونه به مالک فرمان می دهد که با قاطعیت تمام بر رفتار زیر دستان خود مراقبت کن، مبادا آنان با سوء استفاده از نزدیک بودن به تو بر مردم و رعیت ظلم نمایند و مرتکب خیانت گردند. اگر آنان دست به خیانت زدند، و ناظران و بازرسان سرّی تو در امر خیانت آنان اتفاق نظر داشتند؛ بدون مسامحه و اغماض به مقدار خیانتی که انجام داده اند، آنان را مجازات کن. شایان توجه است، که حضرت می فرماید به مقدار خیانتی که انجام داده اند مجازاتشان کن، نه بیشتر از آن، که این خود بیانگر اجرای عدالت در تمام زمینه ها می باشد. پس روشن است که برای اجرای عدالت اجتماعی و برپایی حکومتی براساس عدل و داد، به کارگیری ناظران حتی بر اعمال یاران و دوستان نزدیک نیز بدون اغماض و گذشت باید انجام شود و گریزی از آن نیست.

ابلاغ وظایف، تسهیل در امر نظارت

یکی از اموری که لازم است هر سازمانی بدان توجه نماید، تقسیم کار بین کارکنان سازمان است. این امر فواید بسیاری در راه رسیدن به اهداف سازمانی در پی خواهد داشت، اگر تقسیم کار نباشد، کسی در پی اهمال کاری های خویش پاسخگو نخواهد بود. در این گونه سازمانها و یا حکومتها، وجود نظارت و کنترل نیز فایده چندانی به دنبال نخواهد داشت. وجود

تقسیم کار و شفاف بودن وظایف افراد و حیطة کاری آنان در پیشبرد اهداف سازمان بسیار مفید خواهد بود، و امر نظارت را نیز تسهیل خواهد کرد. حضرت امیر(ع)، برای روشن شدن این مطلب به مالک فرمان می دهد:

وَاجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدْمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُ بِهِ، فَنَاهُ أُخْرَى أَنْ لَا يَتَوَكَّلُوا فِي خَدْمَتِكَ.

برای هر یک از خدمتکاران خود کاری ویژه تعیین کن تا بتوانی بازخواستش کنی که این، زمینه بی مسئولیتی و وانهادن کارها را به امید یکدیگر، بیش از پیش نفی می کند.

نظارت بر کار امیران و کارگزاران

در بحث نظارت دینی و کنترل رفتار و اعمال امیران، هیچ مسامحه ای در کار نیست، نظارت تنها بر امور سطوح پایین سازمان و یا کارکنان نظام صورت نمی پذیرد، بلکه باید در رده های پایین تا بالای سازمان این امر خطیر بدون هیچ گونه ملاحظه ای انجام شود و اگر خلاف و ظلمی یا سستی در اجرای امور مشاهده گردید، با صراحت و قاطعیت تمام، رسیدگی شده و احکام لازم صادر شود.

آن حضرت بر کارهای امیران و کارمندان خویش نظارت می کرد و دخل و خرج آنها را محاسبه می فرمود و هنگامی که به خیانت شخصی از آنان پی می برد، بی درنگ وی را عزل می کرد و اموالی را که اختلاس کرده بود از وی می گرفت. وقتی متوجه شد که یکی از کارگزاران آن حضرت مقداری از اموال مسلمانان را برای استفاده شخصی برداشته، به وی چنین نوشت: پس از حمد خدا و درود بر پیامبر(ص) به من خبر رسیده که تو کار زشتی انجام داده ای! اگر واقعاً انجام داده ای، خدا را به خشم آورده و امامت را نافرمانی، و امانت را خیانت کرده ای، به من خبر رسیده که تو زمین را برهنه کرده ای (محصول درختها و زراعت را برای خود برده و به رعیت نداده ای) به طوری که هر چه زیر دو پایت بود گرفته و هر چه در دو دستت بوده خورده ای (اموال بیت المال را برای خود اندوخته ای) اکنون حساب دخل و خرج خود را برای من بفرست و بدان که محاسبه و حسابرسی خداوند از محاسبه مردم بزرگ تر و دقیق تر است.

نظارت بر بازار و جلوگیری از احتکار

آن حضرت به کارگزاران خویش فرمود: با تمام جدیت و دقت اوضاع بازار را زیر نظر داشته باشید تا اجناس احتکار نشوند و با بالا رفتن قیمت از طریق احتکار، به مردم ظلم نشود و آنان از لحاظ تأمین معاش با مشکل رو به رو نشوند. و لذا دستور می دهد، چنانچه کسی کالایی را احتکار کرد، آن را مصادره کرده و به قیمتی که به هیچ یک از دو طرف (خریدار و فروشنده) ضرر نرسد، به فروش برسانید. آن حضرت در این باره می فرماید:

با همه سفارشها که درباره ایشان [بازرگانان] شد، بدان که در بسیاری از آنان، سخت گیری بی اندازه و بخل ورزی نکوهیده، احتکار کالا برای گرانفروشی و اجحاف در قیمت کالا وجود دارد و این گونه کارها سبب زیان رساندن به همگان و زشت نمودن حکمرانان است. بنابراین از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا(ص) از آن منع فرموده است.

داد و ستد باید آسان و با ترازوهای دقیق و به قیمتهایی باشد که به فروشنده و خریدار اجحاف نشود و اگر کسی پس از نهی، احتکار کند، او را به کیفر سختی برسان، ولی بیش از اندازه کیفرش نکن.

علی رغم تأکید و سفارش بسیار حضرت بر امر نظارت و کنترل، لکن هیچ گاه از محور عدالت ورزی خارج نشده و دیگران را هم سفارش به عدل و داد می کرد.

نظارت در اجرای عدالت

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، یکی از وظایف اصلی رؤسای حکومت اسلامی نظارت بر

عملکرد کارکنان و صاحب منصبان حکومت است، تا از مسیر عدالت خارج نشوند و ضمن انجام دقیق وظایف خویش، ظلمی بر کسی روا ندارند. برای بروز و ظهور این مهم، علی(ع) بر نظارت و کنترل تأکید می ورزیدند، و اینک به داستانی از نظارت جدی آن حضرت بر اعمال کارگزاران و نیروهای تحت امر توجه می کنیم:

سوده، دختر عماره همدانی، بعد از شهادت علی(ع)، نزد معاویه رفت. معاویه به سبب اینکه سوده در جنگ صفین، مردم را علیه او شورانده بود، او را مورد سرزنش قرار داد و سپس از او پرسید، حاجت تو چیست؟ سوده گفت: به درستی که خداوند از وضع ما و آنچه از حق ما بر تو واجب کرده است از تو سؤال می کند. همواره از طرف تو افرادی می آیند و با اتکای به سلطنت تو ما را به سان گندم درو می کنند، مانند پایمال کردن گیاه، به ما سختی و مرگ را می چشانند. بُسر بن ارمات به سوی ما آمد، مردان ما را گشت و اموال ما را گرفت. اگر مسأله اطاعت نبود، به خاطر عزت خود، در مقابل او می ایستادیم. پس اگر او را از حکومت بر ما عزل کنی، شکرگزار تو خواهیم بود و اگر او را عزل نکنی، به تو کفر می ورزیم. معاویه از شهادت او به خشم آمد و گفت: ای سوده! با قوم خود مرا تهدید می کنی؟ همانا تصمیم گرفته ام تو را بر شتر بزرگی بسته، به سوی او (بُسر) بازگردانم تا حکمش را درباره تو جاری سازد. سوده پس از کمی سکوت با شعر گفت: درود خدا بر روحی که قبر آن را دربرگرفت؛ پس عدل در آن مدفون گردید. همانا هم پیمان حق بود، به گونه ای که به جای آن بدلی نجست؛ پس با حق و ایمان، همراه و مقرون گردید.

معاویه پرسید: این اشعار درباره چه کسی است؟ سوده گفت: به خدا قسم! این اشعار درباره امیر المؤمنین علی بن ابیطالب(ع) است. به خدا سوگند! همانا نزد او رفتم و در مورد مردی که او را بر صدقات (مالیات زکات) ولایت داده بود شکایت کردم. آن حضرت در آن موقع به نماز ایستاده بود، چون مرا دید، از نمازش منصرف شد و با مهربانی و مدارا رو به من کرد و گفت: آیا حاجتی داری؟ گفتم: آری. و گزارشی از کارگزارش را به وی دادم. حضرت گریه کرد و فرمود: بار الها! تو بر من و آنان گواهی و این که من آنها را به ستم بر بندگان فرمان نداده ام. و سپس قطعه پوستی بیرون آورد و بر آن نوشت:

به نام خداوند بخشنده و مهربان، همانا دلیل روشنی از جانب پروردگارتان آمد. پس تمام کنید پیمان و ترازو را و کم نکنید از مردمان چیزهای ایشان را (به بهای اندک از آنها نخرید). و در زمین فساد نکنید بعد از اصلاح آن. این بهتر است برای شما اگر از مؤمنان باشید. هر گاه نامه مرا خواندی، آنچه در دست تو می باشد از جهت کارگزاری ما (مالیات و زکات) حفظ کن تا به سوی تو بیاید کسی که آن را از تو بگیرد. والسلام.

سپس نوشته را به من داد، بدون این که به خدا قسم آن را سر به مهر کند. پس من نامه را به صاحبش رساندم و او در حالی که عزل شده بود، از میان ما رفت.

از داستان فوق به روشنی پیداست که آن حضرت به خوبی و با دقت در امر نظارت اهتمام می ورزید و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی نمود. آن حضرت از این بیم داشت که نکند بر اثر لحظه ای بی توجهی و عدم نظارت بر امور کارکنان، احکام الهی زمین مانده و حقوقی از رعیت و زیردستان ضایع شود، از این رو، آن حضرت هیچ گاه از نظارت در امور غافل نمی شد و حتی ناظرانی را برای رسیدگی به امور و گزارش آن به آن حضرت، به کار می گمارد، ناظرانی راستگو، متعهد و باوفا.

نتیجه:

با توجه به آموزه های نهج البلاغه به این نتیجه می رسیم که نظارت و کنترل در هر سازمان و یا

حکومتی باید مورد توجه جدی قرار گیرد؛ زیرا بدون نظارت دقیق، دستیابی به اهداف واقعی سازمان، حکومت و عدالت غیر ممکن است.